

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ اگست ۲۰۲۰

"لنگ حمام شدن" قوماندانی "امنیه ولایت کابل"!

یکشنبه- ۰۲ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: از زمانی که شخص سرپرست وزارت صحت در دولت دست نشانده، از "ایمینی جمعی" بین مردم افغانستان صحبت نموده، تا جایی که به روابط فامیلی ما بر می گردد، ترس هفته ها و ماه های اول پیدایش کرونا تا حدی کم شده، به مناسبت های مختلف باز هم فامیل گرد هم جمع می شویم.

من و پدرم هم امروز عصر غرض دیدن و پیشنهاد همکاری با یک تن از اقارب ما که تازه از شکر دره از ترس طالب بیجا شده و به کابل خانه برادرش آمده، رفته بودیم در آنجا به غیر از ما چند تن دیگر نیز حضور داشتند که جمعاً بالغ بر ۱۵ نفر می شدیم. طبق معمول و به مانند تمام چنین تجمعاتی که بعد از سلام و احوال پرسی، بحث های سیاسی راجع به اوضاع روز آغاز می یابد، وقتی ما در جمع شامل شدیم، بعد از تعارفات اولیه، یک تن از حضار که گویا حضور ما باعث قطع صحبتش شده، بود، به بحثش ادامه داده، عدم امنیت و ناآرامی های اخیر در ولایت کابل را حلقه داری ساخت و به گردن "امان الله واحدی" قومندان امنیه برطرف شده ولایت کابل انداخت.

عدم اطلاع از این که بحث تا آنزمان چگونه آغاز و پیشرفته بود، باعث شد که من فقط شنونده باقی بمانم، که کار خوبی هم شد. بعد از ختم صحبت آن مهمان که برای من بیگانه بود، یک تن از مهمانان دیگری که همسن پدرم بود و بار اول بود که ایشان را می دیدم به صحبت آغاز نمود، آنچه را در ذیل می خوانید تقریباً فشرده صحبت آن محترم بود:

"ببینید ما و شما تقریباً بیش از یک ساعت است که راجع به مسایل امنیتی صحبت می نمائیم، در جریان عمدتاً و بیشتر مسایل را در افراد و نقایص و یا احیاناً امتیازات آنها خلاصه ساخته ایم، بدون آن که با نظرات شما بزرگوران مخالف باشم و یا آنها را رد و یا تکذیب نمایم باید بگویم که با بیشترین قسمت تمام صحبت ها نیز موافقم، اما آنها را کافی نمی دانم، زیرا در تمام این توضیحات فقط به شاخه های درخت نا توانی پولیس پرداخته شده است و نه تنها به ریشه تمام این ناکامی ها نپرداخته ایم بلکه، راجع به تنه درخت ناتوانی نیز توجه ننموده ایم.

به نظر من باید بحث مان را از آنجا آغاز نمائیم که پولیس اساساً چه است و به چه منظور به وجود می آید، بعداً برویم به این که نقش افراد چگونه می باشد.

تا جایی که من می دانم پولیس بخشی از قوای قهری دولت است. این نکته هم در افغانستان صادق است، هم در امریکا، هم در جرمنی و هم در چین و روسیه و ... علت وجودی تشکیلات پولیس به مثابه بخشی قوای قهری دولت، در همه

جای جهان تأمین و تضمین حاکمیت دولتی است. همین علت وجودی باز هم در همه جای به خصوص در کشور هائی مانند افغانستان که دولت و حاکمیت آن در کل در دشمنی با مردم به وجود آمده، تمام بخش های آن در صدد تحکیم مناسبات استعماری و حاکمیت امپریالیسم و ارتجاع در کشور می باشد، مطلقاً در تضاد با شعار "پولیس در خدمت مردم"، می باشد.

با حرکت از چنین منظری در کل ما نباید به خود حق بدهیم تا از پولیس دولت دست نشانده انتظار خدمت به مردم را داشته باشیم و توانائی های آنها را در راستای خدمت به مردم ارزیابی نمائیم، بلکه وقتی از توانائی های آنها صحبتی به عمل می آید، منطقاً می باید آن توانائی ها را در همان زمینه تحکیم اتوریته دولتی ارزیابی و بسنجیم. تا اینجا بحث و صحبت یک امر کلی است که در همه جای صدق می نماید، حال بیائید مسأله را در افغانستان خود ما پیگیری نمائیم، به خاطر درک درست مسأله من ارزیابی خود را از حالا نه بلکه از زمان ظاهر خان، یعنی وقتی که ما مکتب را خلاص نموده، به فکر کار و یا ادامه تحصیلات بودیم، آغاز می نمائیم:

در همان زمان که اوضاع بالنسبه آرام و حاکمیت در کل من جمله پولیس بر روی یک نظم و دسپلین خاص استوار بود، اگر مطلق نساخته باشم با جرأت گفته می توانم از ۱۰۰۰ نفر متقاضی شرکت در تشکیلات پولیس، ممکن یک نفر غرض از پولیس شدن، خدمت به مردم بوده باشد، بقیه همه و باز هم قید می کنم "همه"، مراجعه به پولیس به خاطر تأمین منافع شخصی خودش و در کوتاه ترین زمان ممکن صاحب آرگاه و بارگاه شدن بود. مسلم است که رسیدن به چنان خواستی، فقط از طریق فساد، رشوتخواری، با دزد و قاچاقبر سر جوال را گرفتن، اخاذی از تبنگفروش کنار جاده گرفته تا دکاندار و سرایدار، حق را ناحق و ناحق را حق جلوه دادن و ... ممکن بود و بس.

وقتی من از آن زمان یاد می کنم یعنی از زمانی که کارمندان دولتی حتا پولیس از آبرو و حیثیت خود شرم داشتند و پولیس را در همان زمان مرکز فساد در تمام ادارات دولتی می توانم ثابت نمایم، حال شما از خود می باید بپرسید با تحولات ویرانگری که در جریان بیش از ۴ دهه پسین در جامعه صورت گرفته و می شود گفت، ارزش های اجتماعی را مطلقاً دگرگونه ساخته است، از یک پولیس چه توقعی می توان داشت.

به نظر من این که، "غنی احمدزی" در ۶ سال حاکمیتش ۱۰ بار قومندان امنیه و لایب کابل را عوض کرده، از آن مقام "لنگ حمام" ساخته، برخی ها را با بد نامی و برخی ها را طبق روال اداری اخراج نموده، علاج درد عدم امنیت در کشور نمی باشد. زیرا سیستم و نظامی که همین اکنون بر کشور حاکم است، به منظور تأمین امنیت نیست، بلکه تمام سیستم دولتی درکل تلاش می ورزد تا حین خدمت به امپریالیسم، نورچشمی امپریالیسم طالب رابه قدرت برساند، از همین رو یک قومندان امنیه نه اجازه دارد و نه هم می تواند، به غیر باز کردن راه جهت بسط سلطه طالب، کار دیگری انجام دهد.

"غنی احمدزی" با این کارهایش فقط خاک به چشم مردم می زند، ورنه خودش خوب می داند که در اینجا پای "واحدی" ها در میان نیست تا مسؤولیت ها را بر گردن وی بیندازد، بلکه مسأله سیستم و نظامی است که خودش نیز به مثابه بخشی از آن در همان مسیر گام برمی دارد.

هموطنان گرامی!

شما هم با فشرده صحبت آن مهمان که قبل از تقاعد کارمند دولت بوده، از همین رو حضار ایشان را "مدیر صاحب" می گفتند، آشنا شدید. برای من که صحبت ایشان قانع کننده بود تا شما درباره چه بگوئید!

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!
سرکها ما را می طلبد!